



نشریه دانشجویی، فرهنگ دانشگاه صنعتی اصفهان

صاحب امتیاز: تشکل دانشجویی آرمان

مدیر مسئول و سردبیر: حامد کاظم زاده

سال یازدهم شماره سوم

هفته دوم آذر ماه ۹۰

شفافیت یک کالای لوکس نیست!

لزوم شفاف سازی عملکرد حاکمیت برای مردم

گفتم، گفت!

گفتگوی پیرامون شفاف سازی دانشگاه

مردم می پسندند!

نظارت افکار عمومی بر حاکمیت

تشکل دانشجویی آرمان

راه های ارتباطی با ما:

کانال تلگرام

وبلاگ

ایمیل

@ArmaniUT

armaniut.blog.ir

armanorg.iut@gmail.com

شفافیت یک مسئله لوکسی نیست!..!

یا ده شما اینگونه اداره شود. به مردم گفته ایم شما نمی فهمید ولی به صلاح است ...

«آیا پیش بینی سرنوشت چنین جامعه ای کار دشواری است؟»

نتیجه استمرار چهل سال تلاش برای «حذف مردم از امر حکومت» امروز در برابر ماست. اکنون می توان رویه کنونی را ادامه داد و یا در مسیر آمده تردید کرد. تاریخ نشان داده است هر نظام سیاسی برای ادامه حیات راهی جز فراهم کردن بستر «حضور مردم در صحنه سیاسی» ندارد و حضور مردم در امر سیاسی جز با «شفاف بودن ساختارها» امکان پذیر نمی باشد.

نمی توان ادعا کرد مردم سرنوشت نمایندگان مجلس را تعیین می کنند در حالی که مردم نمی دانند-می توانند بدانند- که این نماینده با چه قوانینی موافقت کرده یا مخالف بوده است. نمی توان ادعا کرد نظام قضایی مردمی است در حالی که ابتدایی ترین حق مردم یعنی دادگاه علنی، بر خلاف تصریح قانون اساسی نقض می شود. نمی توان ادعا کرد فلان نهاد دولتی یا حکومتی مردمی است در حالی که مردم نمی دانند چه پولی وارد این نهاد می شود و این پول کجا خرج می شود.

«خلاصه کلام اینکه به صرف ادعا و لقلقه لفظ مردم سالاری، مردم سالاری حاصل نمی شود. یا باید مردم را جدی بگیریم و آنها را در سرنوشتشان دخیل کنیم یا تماشاگر سرنوشتی باشیم که تاریخ برایمان رقم خواهد زد.»

«مردم شما نمی فهمید باید چگونه حکومت کرد، شما نمی فهمید چگونه باید قضاوت کرد؛ برویدکنج خانه هایتان بنشینید تا ما بر شما حکومت کنیم. و این یعنی حذف مردم از صحنه سیاست!»

تاریخ نشان داده است هر نظام سیاسی برای ادامه حیات راهی جز فراهم کردن بستر «حضور مردم در صحنه سیاسی» ندارد و حضور مردم در امر سیاسی جز با «شفاف بودن ساختارها» امکان پذیر نمی باشد.

به مردم گفته ایم شما نمی فهمید ولی به صلاح است دادگاه ها غیرعلنی برگزار شود. به مردم گفته ایم شما نمی فهمید ولی به صلاح است جلسات مهم مجلس غیر علنی باشد. به مردم گفته ایم شما نمی فهمید ولی به صلاح است رای نمایندگان مجلس مخفی بماند. به مردم گفته ایم شما نمی فهمید ولی به صلاح است وجوه پرداختی به نمایندگان مجلس مشخص نباشد. به مردم گفته ایم شما نمی فهمید ولی به صلاح است فلان آقا در انتخابات تأیید صلاحیت بشود و فلان آقا در انتخابات رد صلاحیت بشود. به مردم گفته ایم شما نمی فهمید ولی به صلاح است که محتوای قراردادهای خارجی دولت مخفی بماند. به مردم گفته ایم شما نمی فهمید ولی به صلاح است که درآمد چند هزار میلیارد تومانی بنیاد مستضعفان آن طور که می خواهیم مصرف شود. به مردم گفته ایم شما نمی فهمید ولی به صلاح است سفارشات که به وزیر و نماینده و ... می شود، در معرض دید عموم نباشد. به مردم گفته ایم شما نمی فهمید ولی به صلاح است که شهر شما

«هیچ چیز خطرناک تر از این نیست که جامعه ای بسازیم که در آن بیشتر مردم حس کنند هیچ سهمی در آن ندارند. مردمی که حس می کنند سهمی در جامعه دارند از آن جامعه محافظت می کنند؛ ولی اگر چنین احساسی نداشته باشند، نا خودآگاه می خواهند آن جامعه را نابود کنند.»
مارتین لوتر کینگ

این روزها حضور مردم در سیاست کشورمان به یک صحنه نمایش تبدیل شده است. نمایشی که تنها یک سکانس دارد به نام انتخابات و حاصلش برای دشمنان کشور کمدی، برای دلسوزان کشور تراژدی و برای مسئولین سرگرمی است!

فارغ از کشمکش های سیاسی و جناحی، آیا امروز مردم هم نوا با صداوسیما جمهوری اسلامی می گویند: ما مردمی موثر در سرنوشت کشورمان هستیم، یا به این نتیجه رسیده اند که در نهایت مرغ عزا و عروسی اند؟

آیا می توان منصفی را پیدا کرد که ادعا کند: سرنوشت مردم امروز به دست خودشان تعیین می شود؟

آیا می توان این ناامیدی مردم از صحنه سیاسی را نادیده گرفت و خود را به خواب زد؟

آیا می توان به حرفهای نخ نمایی چون: دشمن مردم را فریفته است تا این چنین فکر کنند، دل بست و همچنان به رویه کنونی ادامه داد؟

آیا رویه کنونی امیدوار کننده و رو به جلو است یا باید تعارفات کلیشه ای را کنار بگذاریم و اعتراف کنیم که مسیر را بد آمده ایم.

در این چهل سال هزار رنگ و لعاب به حرفمان داده ایم تا این گزاره ساده را به مردم تحمیل کنیم که:

گفتم، گفت...!

باد نبرد.

گفت: تو با این حرف سیاستمداران را بابت همه اشتباهاتشان تبرئه می کنی. با این توجیه هیچ کس را به خاطر هیچ اشتباهی نباید مواخذه کرد.

گفتم: مقصود من به هیچ عنوان تبرئه هیچ سیاستمداری نیست، بلکه همه حرفم این است که وقتی گزاره ای مطرح می شود و در آن گزاره محدودیت ها و پارامترهای اثرگذار عالم واقع نادیده گرفته می شود، آن گزاره مضحک جلوه می کند. این اتفاق مدت زیادی است برای «جریان دانشجویی» افتاده است؛ «همین است که سیاستمدار سر سوزنی به حرف دانشجوی اعننا می کند.» دامنه این بی اعتنایی تا آنجا گسترده شده است که بیش از صد و چهل تشکل دانشجویی-که ایام انتخابات ستاد انتخاباتی دولت بوده اند!-بیانه می دهند که این وزیر علوم مغایر با وعده هایی بود که به ما داده بودید و خواهش می کنیم که در انتخاب خود تجدید نظر کنید، اما دولت بی توجه به همه این حرفها کار خودش را می کند و مجلس هم بی اعتنا تر از دولت با رای قابل توجهی به وزیر جدید رای اعتماد می دهد. آیا بی اعتنایی و مهجوری بیشتر از این که اظهار نظر جریان دانشجویی حتی در مورد وزیر علوم! جدی گرفته نمی شود.

گفت: معنی اینکه متوجه واقعیت باشیم این نیست که کار بزرگ نکنیم یا به کارهای کوچک دل خوش کنیم. مگر بودجه کل دانشگاه چقدر است؟ مگر با «شفاف شدن دانشگاه» مسئله مهمی حل می شود؟ باید کارهای مهم تری انجام داد، مثلاً می توان همین «مطالبه شفافیت» را از رییس جمهور کرد، یا می توان مجلس را وادار کرد که قانونی تصویب کند که همه نهادهای کشور موظف به شفاف کردن عملکرد اقتصادی خود شوند و...

گفتم: سالهاست قانون تصویب شده است!!! همچنین «سالهاست که مردم از همه مسئولین و نهادها خواهش کرده اند که عملکرد خود را در معرض دید عموم قرار دهند تا مورد ارزیابی مردم قرار بگیرند، اما امروز حتی یک دهیار و

هنوز از راه نرسیده و بدون مقدمه گفت:

چرا گیر داده اید به «شفافیت در دانشگاه»؟ مملکت کم بخور بخور است؟ شما واقعاً مشکلات اساسی کشور را نمی بینید یا خودتان را به ندیدن زده اید؟

گفتم: سلام!

گفت: سلام! جواب من رو بده!

گفتم: حق با توست. فردا صبح زود بیدار می شویم و تا آفتاب زده مسئله فساد را در کشور حل می کنیم، تا مردم وقتی از خواب بیدار می شوند یک کشور گل و بلبل داشته باشند.

گفت: مسخره می کنی؟

گفتم: تصور می کنی حرفت معنایی جز این دارد که یک شبه همه مسائل حل شود؟

گفت: من دانشجوی هستم و آرمانگرا. من راضی نمی شوم که سرگرم مسائل پیش پا افتاده شوم. **گفتم:** به نظر من سرگرم شدن معنای دیگری دارد. سرگرم شدن از نظر من یعنی شما تا در محیط دانشگاه هستید خروار خروار حرف آرمانخواهانه بزنید و وقتی محیط دانشگاه را ترک می کنید و وارد جامعه می شوید در دل جامعه هضم شوید. مصداق این هضم شدن در جامعه کنونی به وضوح یافت می شود. عمده سیاستمداران کلان کنونی کسانی هستند که قبل از اینکه بر کرسی قدرت بنشینند، آتشی به مراتب تندتر از من و تو داشته اند. اما امروز- با خوش بینانه ترین قضاوت- تبدیل به پیچ و مهره های سیستم شده اند.

گفت: آنها انسانهای ضعیف النفسی بوده اند؛ من دچار سرنوشت آنها نمی شوم.

گفتم: مسئله این است که ما اقتضائات عالم سیاست را نادیده گرفته ایم. تا زمانی که در موضع رصد اوضاع هستیم ادعاهایمان گوش خلقی را پاره می کند؛ زمان می گذرد و ما جزئی از سیستم می شویم. حال اگر بسیار انسان شریفی باشیم و حرف های دیروزمان را فراموش نکرده باشیم، ابتدا سعی می کنیم مصلح موعود وضعیت باشیم اما چند صباحی که می گذرد، به این نتیجه می رسیم که مسئله بزرگتر از آنچه که تصور می کردیم بود و دست از پا دراز تر کلاه خودمان را می چسبیم که

یا یک دهیاری شفاف در این مملکت وجود ندارد.» دلیل این امر این نیست که مسئولین بی لیاقت و یا فاسد بوده اند-یا حداقل همه دلیل این نیست- بلکه علت اساسی تر مجهول بودن امر شفافیت است. مردم نمی دانند که اطلاع از روند، حق قانونی آنهاست و از سوی دیگر مسئولین ما نمی دانند که شفاف کردن امور چگونه امکان پذیر است. نمونه طنزگونه این بی اطلاعی، عملکرد یکی از کاندیدا های ریاست جمهوری در انتشار لیست اموالش بود که نشان می داد شفافیت برای مسئولان بلند پایه تا چه میزان ناآشناست چه رسد به مردم و مسئولان عادی!

گفت: وقتی مسئولان کلان نخواهند با تلاش های ما هیچ اتفاقی نمی افتد.

گفتم: کجای دنیا را دیده ای که یک مسئول بیاید از مردم خواهش کند که من عملکرد خود را شفاف می کنم و شما بیایید من را نقد کنید؟ چرا مسئول باید سر بی درد خود را دستمال ببندد؟ در هر جامعه مطالبه مردم از مسئولین باعث بهبود در عملکرد مسئولین شده است. جای تعجب دارد که ما با وارونه جلوه دادن مسئله سعی در سلب مسئولیت از خودمان را داریم.

گفت: مسئولان زیر بار شفافیت نمی روند. **گفتم:** همه مسئولین را با یک چوب راندن منصفانه نیست. من تصورم این است که ما با دو دسته مسئول مواجهیم. دسته اول کسانی که دلسوز کشور و مجموعه تحت نظارت خود هستند، که این افراد از این موضوع استقبال می کنند؛ و دسته دوم کسانی که از شفاف نبودن امور نفع می برند که این دسته در صورت مطالبه همگانی و گسترش شفافیت های داوطلبانه ناگزیر از پذیرش این مقوله هستند.

گفت: اگر این گونه باشد که می گویی، چرا تا کنون مسئولان دسته اول اقدام به شفاف سازی نکرده اند؟

گفتم: به دو دلیل. اول آنکه: بسیاری از آنها از اهمیت و برکات شفافیت بی اطلاع اند.



تشکل دانشجویی آرمان پرگار میکند.

سلسله جلسات مباحثه و گفتگو

زمان: شنبه ۱۶:۳۰

مکان: ساختمان نصر - تشکل دانشجویی آرمان

موضوع این هفته: شفافیت



و دلیل دوم و مهم تر اینکه: ما در کشورمان قانون شفاف سازی داریم اما سازوکار شفاف سازی نداریم. یعنی ما حتی یک سیستم ساده شفاف در کشورمان نداریم که یک مسئول لایق ببیند و متوجه شود که شفاف کردن چگونه ممکن است.

اگر این سیستم در دانشگاه شکل نگیرد بسیار دور از انتظار است که نهاد دیگری توانایی ارائه آن را داشته باشد.

گفت: به فرض اینکه این سیستم در یک دانشگاه شکل بگیرد، چه تضمینی وجود دارد که این سیستم نهادهای غیر دانشگاهی را تحت تاثیر قرار دهد؟

گفتم: من نوستراداموس نیستم و نمی توانم آینده را تضمین کنم اما با صحبت هایی که با مردم و مسئولین کرده ام به این نتیجه رسیده ام که هر دو قشر احساس نیاز به چیزی می کنند که نمی دانند چیست. یعنی مسئولین می دانند که مردم بی اندازه به آنها بی اعتماد شده اند و مردم احساس می کنند که هیچ نقشی در سرنوشتشان ندارند و نمی دانند چگونه این مشکل را می توانند حل کنند. در چنین شرایطی به نظر می رسد چنین نسخه ای به سرعت به یک مطالبه همگانی تبدیل شود. تجربیات همین دانشگاه و استقبال بدنه دانشگاه و مسئولین دانشگاه می تواند مصداق خوبی برای نشان دادن این موضوع باشد.

مردم می بینند!

یکی از سوالات مهمی که ذهن دانشجویان را به خود مشغول می کند، این است که در صورت خوداظهاری افراد در انتشار هزینه ها، چگونه می توان به درست بودن آنها اطمینان داشت؟

این سوال کلیدی را می توان به چند صورت زیر پاسخ داد:

۱. ابتدا باید در نظر داشت که بودجه نهاد های دولتی مختلف در هم تنیده است. مثلاً همین دانشگاه خودمان را در نظر بگیرید. از یک سو مجموعه های دانشجویی به صورت داوطلبانه گزارش مالی یک سال اخیر خود را منتشر می کنند. از سویی دیگر معاونت امور فرهنگی این کار را انجام می دهد. همان طور که می دانید، بودجه مجموعه های دانشجویی عمدتاً از محل اعتبارات امور فرهنگی تامین شده، و در صورتی که این مجموعه ها خلاف واقع گزارشی را منتشر کنند، از گزارش امور فرهنگی می توان این تناقض را پیدا کرد.

در سطح بالاتر معاونت امور فرهنگی به عنوان یکی از معاونت های دانشگاه خرج کردهایش را اعلام می کند. برای اطلاع از صحت این گزارش می توان به گزارش دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کشور مراجعه و صحت و سقم این مسئله را روشن کرد.

این مکانیزم را می توان به این صورت بیان کرد که مجموعه هایی که بر یکدیگر نظارت می کنند و افزایش سود یکی در گرو کاهش سود دیگری است، برای اثبات درستی گزارش خودشان ناچار به نظارت شدیدتر بر مجموعه مقابل خواهند بود، که این امر خود به خود باعث ارتقا و رشد سیستم خواهد بود.

۲. در صورت «شفافیت» مالی، آگاهی «مردم» و نظارتشان بر این مجموعه ها افزایش می یابد. با مشارکت مردم در حاکمیت و حضور افکار عمومی، هزینه دروغ گویی چنان بالا می رود که دیگر فرد به هیچ عنوان حاضر به پذیرفتن ریسک این کار نخواهد بود.

فضایی را تصور کنید که همه نهاد ها با شفاف کردن گزارش شان و در معرض دید عموم قرار دادن آن، خود را به محک افکار عمومی می سپارند. حال به هر دلیلی اگر یک مجموعه در کوچکترین جز این گزارش اشتباه یا تخلفی کرده باشد، مردم آن را نه به یک اشتباه کوچک بلکه به فاسد بودن کل سیستم آن مجموعه تفسیر خواهند کرد؛ و این هزینه ای بسیار گزاف خواهد بود.

۳. اما اگر بلوغ اجتماعی و سیاسی بالایی وجود داشته باشد (که بهترین محل این امر دانشگاه است)، مشابه همین هزینه ها را می شود از طریق قوانین ایجاد کرد که نوعی ضمانت اجرایی حکومتی هم پیدا کند. یعنی در صورت تخلف مجموعه، علاوه بر بدبینی و عدم اعتمادی که توسط افکار عمومی به وجود می آید، باید در قانون تنبیهاتی در نظر گرفته شود.

حال اگر سامانه های اطلاعاتی مفیدی برای صحت سنجی وجود داشته باشد می توان به سرعت اطلاع از وضع موجود نهاد ها را انجام داد و از عملکردشان به سرعت مطلع شد.